

اصلاحات در مردادماه منتشر کردند، آنها را به خیانت آشکار متهم و از تمامی رجال سیاسی و علما و مردم خواسته است که نسبت به آنها اعلام موضع کنند: «بر تمامی رجال سیاسی و علمای ربانی و ملت شریف ایران واجب است در هر جایگاه نسبت به این خیانت آشکار، آگاهانه اعلام موضع نمایند و در این فتنه جدید با پشتیبانی کامل از امام امت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حکیم همچون گذشته، دشمنان این کشور حسینی را ناکام گذارند.»

این جبهه بیانیه‌های زیادی نیز درباره اعتراضات داخلی و خارجی کشور صادر کرده است؛ در پی اعتراضات سال ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای رخدادهای کشور را نتیجه توطئه دشمنان داخلی و خارجی دانسته و مدعی می‌شود که این دشمنان در پی تضعیف ارزش‌های دینی، به‌ویژه حجاب و امنیت خانوادگی هستند و با اشاره به «ناامنی‌های ناشی از فضای مجازی و فتنه‌انگیزی رسانه‌ای درخواست حکمرانی کامل نظام بر فضای مجازی را مطرح» و خواهان «برخورد با اقدامات ضدانقلابی» می‌شوند: «خوشبختانه عموم هنرمندان و ورزشکاران با هوشیاری خود، خام این فریب رسانه‌ای نشدند اما معدود افراد خائنی که علیه انقلاب تحریک شدند و اقدام به موضع گیری حمایتی از آشوبگران و گروه‌های تروریست جدایی طلب کردند، بدانند که خیانت امروز آن‌ها به مردم و انقلاب اسلامی در اذهان مردم شریف ایران خواهد ماند. حداقل توقعی که از نهادهای نظارتی، قضایی و امنیتی وجود دارد این است که این اقلیت فریب‌خورده یا خائن مورد تعقیب قرار گرفته و مطابق قانون و شرع با بنی آنان برخورد انقلابی اتفاق بیفتد.»

در تمام این مدت جبهه پایداری هم در جایگاه منتقد و معترض به دولت‌های میانه‌رو و اصلاح‌خواه قرار داشته است، چنانچه حتی نمایندگان مجلس عضو این جبهه در حمله به روحانی و پزشکیان کوتاهی نکردند و همچنان همه مشکلات را به گردن دولت‌های یازدهم، دوازدهم و چهاردهم می‌اندازند. جبهه پایداری در زمان ریاست حسن روحانی بیانیه‌ای علیه او



دولت پزشکیان بیاندازیم دور از انصاف و جوانمردی است.

«با توجه به دیدگاه وفای دولت، جبهه پایداری با توجه به اینکه یک جریان تندرو رقیب است، چه دیدگاهی داشته است؟ آیا تعامل لازم را با دولت برقرار کرده است؟

وقتی دولت آقای پزشکیان سخن از وفای بر زبان دارد، همگرایی و توافق نیروهای مقتدر سیاسی را مدنظر دارد. پدیده‌ای به نام نظریات افراطی که برخی از تندروها آن را نمایندگی می‌کنند در چارچوب توافقات و نظریه وفای آقای رئیس جمهور نمی‌گنجد. اساسانیروهای تندرو، یعنی کسانی که خود را قبول دارند و دیگران را قبول ندارند. کسی که هیچ کس جز خود را قبول ندارد، چطور می‌تواند در چارچوب وفای با یک مجموعه سیاسی دیگر ظرفیت‌سازی مشترک فراهم کند؟ دولت چهاردهم نیز توقعی برای همراهی جبهه پایداری ندارد، چراکه اساس فلسفه وجودی نظریات تند این است که همیشه میج گیری کنند و نگاه دگم داشته باشند و با مجموعه بر سر کار مخالفت داشته باشند. این جریان‌ها زبان مفاهمه ندارند و تنها توقعی که دولت می‌تواند از این جریان‌ها داشته باشد این است که «مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسا.»

«نامه با ادعای «نقد گذشته از سر دلسوزی» منتشر شده اما راهکار مشخصی ارائه نکرده است. آیا می‌توان گفت این نامه ابزاری برای فشار سیاسی بر دولت است و نظر شما درباره این ادبیات که می‌گوید از سر دلسوزی نقد می‌کنیم اما راهکاری هم ارائه نمی‌دهیم چیست؟

به صرف اینکه یک گروه با ادبیاتی که اسیر واژگان است، بگویند نقد دلسوزانه داریم که کافی نیست و اینگونه نمی‌توانند حقانیت خود را ابراز کنند. اصلاً فرض را بر این بگیریم که قصد خیر دارند، چه لزومی دارد که با این عبارت در

صادر کرد و روحانی را «رفوزه زنگ حساب» معرفی کرد: «خوب است جناب رئیس جمهور که هر دقیقه برای منتقدین داخلی رجزی ظفرمندانه از فتوحاتی که وجود خارجی ندارد می‌خوانند، مستحضر باشند که شرایط امروز با شرایط روزهای ابتدایی هشت سال پیش که تصدی دولت را به عهده گرفته بودند، کاملاً متفاوت است؛ آقای روحانی اگر آن روزها «شاگرد اول کلاس انشا» بودند، امروز با نمایش بی‌تدبیری‌های بی در پی، عنوان «رفوزه زنگ حساب» را به خود اختصاص داده‌اند و با نمایش يك عجز بی‌سابقه و اشباع ناکارآمدی در اداره امور مربوطه، شکاف‌ها و مشکلات فراوانی را برای مردم و کشور به جا گذاشته‌اند.»

▼ جبهه پایداری؛ فرا حزبی در بیان، جناحی در عمل
بررسی بیانیه‌هایی که جبهه پایداری در حمایت از جریان‌های همسو با خط فکری اصولگرایان منتشر کرده است نیز نشان می‌دهد این جبهه حتی به نیروهای همسو با خود نیز حمایت مشروط، نسبی و ایدئولوژیک دارد. جبهه پایداری در بیانیه‌ای که برای اعلام مواضع شرکت در انتخابات مجلس دوازدهم صادر کرده بود، معیار انتخاب کاندیدای اصلح را کاملاً ایدئولوژیک، فراحزبی و گزینشی مطرح کرده بود: «دغدغه و دلمشغولی جبهه پایداری انقلاب اسلامی هم در مناسبات حاکم بر انتخابات پیش‌رو، لحاظ شدن شاخص‌های مکتب امام(ره) در مدل‌ها و سازوکارهای انتخاباتی بوده و هست و تأکید بزرگانی همچون حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی و حضرت آیت‌الله خوشوقت به عنوان فقه‌ای فقید جبهه پایداری مبنی بر استفاده و دعوت از نامزدهای اصلح و کارآمد در فهرست‌های انتخاباتی ولو اینکه از اعضای جبهه پایداری انقلاب اسلامی نباشند نیز بر همین مبنا بوده است که ان‌شاءالله همچنان سرنوچه اقدامات جبهه پایداری در انتخابات آتی خواهد بود.» بر اساس همین هم نام جبهه پایداری در کنار شورای ائتلاف و جبهه پایداری منتشر شد. طبیعتاً نوع نگاه و اعضا و طیفی که این جریان از آن در بازه‌های زمانی مختلف حمایت کرده مشخص است و معمولاً اگر جریان شریان و مشابه آن را در نظر بگیریم در حوالی منتهی الیه تندروهای اصولگرایی قرار می‌گیرد.

▼ نقد اقتصادی یا فشار سیاسی به رئیس‌جمهور؟
جبهه پایداری با روی کار آمدن دولت چهاردهم تاکنون سه نامه به مسعود پزشکیان نوشته است که محورهای فکری و نغده‌ای آن‌ها در امتداد خط مشی بیانیه‌ها قرار دارد. نخستین نامه جبهه پایداری به رئیس‌جمهور که دی‌ماه سال گذشته منتشر شد، بر محور مذاکرات با غرب گرہ خورده بود و از رئیس‌جمهور درخواست داشت «مقاومت و ایستادگی» را به عنوان تنها راه پیروزی بر دشمن و تأمین منافع ملی اجرایی کند. در این نامه اینگونه استدلال شده بود که سازش، اعتماد بی‌قید و شرط به غرب و مذاکرات فرصت‌سوز جز تأخیر در حل مشکلات کشور و تضعیف روحیه ملی نتیجه‌ای نخواهد داشت: «کشور را تحت تأثیر غرب‌گرایانی که در صدد درگیر کردن دولت و ملت در یک پروسه بی‌نتیجه هستند، گرفتار نکنید و اجازه ندهید با افتادن در دام مذاکرات فرصت‌سوز با غربی‌ها، فرصت‌های حل مشکلات کشور، به‌ویژه مشکلات

معیشتی مردم از دست برود.»

جبهه پایداری در نامه بعدی خود که در اوایل آبان‌ماه سال جاری منتشر کرد، با همان خط استدلال فکری که در نامه اول در نظر داشت، هشدارهایی را مطرح کرد که این بار ابعاد اقتصادی‌تری به خود گرفته بود. جبهه پایداری نگاه مقاومت و ایستادگی در نامه اول را که با تمرکز بر مذاکره با غرب مطرح کرده بود، در نامه دوم در قالب مدیریت مستقل اقتصاد، پرهیز از شرطی‌سازی بازار به سیاست خارجی و تمرکز بر اصلاحات درون‌زا ترجمه می‌کند: «وقتی رسانه‌های نزدیک به دولت در کنار برخی مقامات سیاسی و اقتصادی کابینه، اقتصاد را به‌طور عجیبی با تحولات خارجی، مذاکرات، مکانیسم ماشه و... شرطی کرده‌اند، شاهد تلاطم شدید نرخ ارز با این نوع اتفاقات خار جی هستیم. امری که رهبری بارها و بارها تذکر دادند که این کار به ضرر خود شما در دولت و زندگی مردم است، اما متأسفانه این روند همچنان ادامه دارد.»

در آخرین نامه جبهه پایداری به رئیس‌جمهور که در روزهای اخیر منتشر شده است، با محوریت اقتصادی اما رویکردی سیاسی به بحران‌های اقتصادی و معیشتی که کشور با آن مواجه است اشاره شده است. آنها عبدالناصر همتی را مقصر و متهم اصلی رویکرد اقتصادی دولت در زمینه مهار ارز معرفی می‌کنند که با چاپ پول باعث تضعیف بازار ارز شده است. همچنین جبهه پایداری جهش نرخ ارز را نتیجه تصمیمات مدیریتی غلط دولت می‌داند، نه اثر مستقیم رویدادهای خارجی و جنگ دوازده‌روزه.

در بخش دیگری از این نامه، با این استدلال که تصمیمات ارزی و تجاری دولت در تضاد با منافع مردم و اقتصاد ملی بوده، خواستار اصلاح رویکرد حکمرانی ارزی و اقتصادی شده و تأکید دارد این نامه «بر اساس دلسوزی برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم» نوشته شده است. در این نامه نیز به جای ارائه راهکارهای مشخص با لحنی سرزنش‌آمیز به نقد گذشته پرداخته شده است و جای توضیحاتی درباره ارتباط منطقی میان عملکرد دولت و ارائه راه‌حل خالی است. رویکرد اقتصادی نامه بیشتر از نوع کیفی و انتقادی است تا مبتنی بر داده و رویکرد سیاستی، حال آنکه جبهه پایداری مدعی شده است این نامه را از سر دلسوزی نوشته است.

بررسی فعالیت‌ها، بیانیه‌ها و نامه‌های جبهه اصلاحات نشان می‌دهد که فعالیت‌های این جبهه عمدتاً ایدئولوژیک و سیاسی هستند، نه راهکارمحور یا مبتنی بر تحلیل‌های ساختاری. در اکثر بیانیه‌ها تر جیح داده شده است که به جای ارائه برنامه‌های عملیاتی، به نقد و سرزنش نیروهای مخالف و دولت بپردازند و حتی در حمایت از نیروهای همسو نیز به جای حمایت‌های حزبی و تشکیلاتی، این حمایت مشروط و ایدئولوژیک بوده‌اند. زبان سرزنش‌آمیز این جبهه در نامه‌هایی که به رئیس‌جمهور دولت چهاردهم نوشته شده است نیز نشان می‌دهد بیشتر فضای شخصی‌سازی‌شده بر محتوای نامه‌ها حاکم است تا راهکار محور و مسئله‌محور.

بررسی بیانیه‌ها و نامه‌های جبهه پایداری نشان می‌دهد این جبهه از نقدهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان پوششی برای پیشبرد رویکردهای ایدئولوژیک خود استفاده می‌کند. انکار نقش تحریم، جنگ و بن‌بست‌های سیاست خارجی، شخصی‌سازی بحران‌ها و تقلیل مسائل ساختاری اقتصاد به عملکرد چند چهره اجرایی، نه‌تنها کمکی به حل بحران معیشتی نمی‌کند، بلکه نقد را به ابزاری برای فشار سیاسی و صف‌بندی زود هنگام انتخاباتی تبدیل کرده است. در رابطه با نامه‌های این جبهه به رئیس دولت چهاردهم هم‌میهن گفت‌وگوهایی با محمد عطریانفر، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و منصور حقیقت‌پور، فعال سیاسی اصولگرا داشته است که در ادامه می‌خوانید.



نمی‌توان از این جریان انتظار داشت که اظهارنظرهای آنها به نفع دولت و ملت است.

«قلم این نامه و بیانیه‌ها و نامه‌های مشابه آن در دولت چهاردهم به نوعی با زبانی تند و گزنده و تخطئه‌کننده بوده است؛ هر چند که خودشان اینها را از سر دلسوزی می‌دانند، دولت در قبال چنین نگاه سیاسی و چنین تشکلی چه باید بکند؟

اولاً باید بخش رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی دولت تقویت شود و معطل و منتظر پاسخگویی به این گروه‌ها نباشد چراکه دولت مدافع نظریه‌پردازی حوزه اعتدال است و این گروه افراطی هستند. ثانیاً دولت نباید وقت خود را صرف این کند که پاسخگوی نقدهایی باشد که فاقد نقدهای درست هستند. هر چند دولت بدون توجه به این اظهارات، در عین این که نباید برایش مهم باشد، باید در مقام کنترل تندروی‌ها اقداماتی در درون مجلس انجام دهد. از سوی دیگر در برابر افکار عمومی نیز نباید هیچ واکنشی به آنها داشته باشد اما باید جامعه مخاطب ایرانی را از شرایط موجود کشور مطلع کند و ضرورت توجیه جامعه را در نظر داشته باشد که باید تبعیض و فساد مبارزه کند و باید آن را در نظر بگیرد و زبان اقناع را با جامعه باز کند.

نگاه اصولگرا



منصور حقیقت‌پور فعال سیاسی اصولگرا:

تحریم ها را جبهه پایداری به کشور تحمیل کرد

منصور حقیقت‌پور، فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید انتقادات اقتصادی جبهه پایداری از دولت جنبه سیاسی دارد و تاکید می‌کند که این جبهه نه‌تنها به دولت کمکی نکرده است، بلکه از امتیاز یکطرفه وفاق که پزشکیان به جریان‌های مختلف داده نیز استفاده کرده است.

«جبهه پایداری در دو نامه‌ای که به رئیس‌جمهور دولت چهاردهم داشته است، انتقاداتی را در حوزه اقتصادی مطرح کرده است. آیا این نقدها را مبتنی بر واقعیت‌ها می‌دانید یا بیشتر جنبه سیاسی داشته است؟
خالص‌سازان در نقد خود جوهره سیاسی دارند. اینها زمانی دولت را در دست داشتند و می‌دانیم که آن دولت هم اشکالات زیادی داشته است. در حالی که اگر هدف دلسوزی است، باید تلاش این جبهه بر مبنای این باشد که اگر اشکالی وجود دارد در راستای حل آن و ارائه راه‌حل باشند، نه اینکه اشکال را برای تخریب یک نفر یا گروه یا دولت چماقی بر سر آنها کنند. من هم به دولت منتقد هستم اما سعی می‌کنم در کنار انتقاد، راهکار پیشنهادی هم بدهم و به دولت کمک کنم تا از این مشکلات عبور کند نه اینکه بهره‌برداری سیاسی کنیم. تمام این مشکلات به دلیل همین تحریم‌هایی است که همین جبهه پایداری به ما تحمیل کرده است. در کشور ما تمام ظرفیت‌های ممتاز اقتصادی که وجود داشت به همین دلیل تحریم‌ها محدود شده و یا از بین رفته است و مقصر همین افراد هستند. اگر افراد حاضر در این جریان طرح پیشنهادی درست و حسابی دارند آن را ارائه دهند در غیر این صورت دولت خودش به نحوی مشکلات را مدیریت کند.

«در نامه اخیر جبهه پایداری اینگونه مطرح شده است که انتخاب «آقای همتی... به‌عنوان وزیر اقتصاد» یک «درس‌پس‌داده» بوده و ادعا می‌شود او پیش از این «سلطان چاپ‌پول» بوده و عملکردش «فاجعه‌آمیز» بوده است. چقدر این ادعا را در باره همتی درست می‌دانید؟

جبهه پایداری بیش از ۳۰ نفر نیرو در مجلس دارد، آنها چرا به آقای همتی رای مثبت دادند؟ باید از اعضای این جبهه پرسید آیا وزرای اقتصاد شما در دولت سیزدهم کار خاصی کردند؟ البته چاپ پول و افزایش نقدینگی را به مصلحت اقتصاد کشور نمی‌دانم، اما این در صورتی بود که خودشان این کار را نمی‌کردند و حالا می‌توانستند بگویند شما این کار را نکنید. اما آیا اینگونه بوده؟ خودشان هم همین کار را کردند.

«نامه جبهه پایداری می‌گوید «کشور را تحت تأثیر غرب‌گرایانی که در صدد درگیر کردن دولت و ملت در یک پروسه بی‌نتیجه هستند، گرفتار نکنید.» به‌نظر شما، آیا این جمله بیشتر یک هشدار سیاسی به دولت و جناح‌های داخلی است یا انتقاد واقعی اقتصادی؟

باید تأمین منافع ملی بر همه چیز اولویت داشته باشد، چه این منافع ملی را غرب بخواد تأمین کند و چه شرق. قطب‌نمای آقبایانی که انتقاد کردند الان به سمت شرق است در حالی‌که شرقی‌ها تا به امروز نیز گلی به سر ما نزدند و اقدام مناسبی به‌ویژه در نبرد ۱۲ روزه برای کشور ما انجام ندادند. لذا اینکه منافع ملی ما هرکجا تأمین شود، شرق باشد یا غرب، همان را باید دنبال کرد و ما به دنبال تأمین منافع ملی با حفظ عزت و اقتدار کشور باشیم.

«جبهه پایداری به عنوان یک جریان تندرو رقیب چه دیدگاهی داشته است؟ آیا تعامل لازم را با دولت پیدا کرده است؟

با دولت تعامل که ندارند، اما از منافع وفاق استفاده کردند و متأسفانه آقای پزشکیان نیز از آن جهت که وفاق را تعریف نکرده است، امتیاز یک طرفه به رقبای قدیمی و سنتی خود می‌دهد. جبهه پایداری نه‌تنها هیچ کمکی به دولت نکرده، بلکه خیلی‌ها که مسبب وضعیت اقتصاد و دلار به اینگونه هستند منسوب به جریان جبهه پایداری هستند. رئیس بانک مرکزی از این تیم بوده است، آنها در پتروشیمی‌ها و جاهای دیگر مناصب فوق ثروت را در اختیار گرفتند و هر جوری که دلشان بخواد به دولت رفتار می‌کنند و بهره‌برداری سیاسی می‌کنند.